

استراتژی امنیتی استرالیا در منطقه ایندو-پاسیفیک و متغیر مهار چین (۲۰۲۰-۲۰۲۳)

سامان پسند آقاجانی، اصغر کیوان حسینی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲

چکیده:

امروزه منطقه ایندو-پاسیفیک به دلیل نقش و اهمیت آن در معادلات بین‌المللی و تبدیل شدن آن به میدانی جدید برای رقابت جهانی قدرت میان ایالات متحده و چین، به یکی از مهم‌ترین مراکز استراتژیک جهان تبدیل شده است. در این میان، کشور استرالیا به عنوان یک قدرت متوسط و همچنین به دلیل جایگاه ویژه آن در منطقه، تأثیرات خاص خود را در ساختار امنیتی منطقه داشته و به دنبال حفظ روابط دوجانبه خود با کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ بین‌المللی به ویژه ایالات متحده آمریکا بوده است. این در حالی است که با افزایش نفوذ سیاسی، ارتقای جایگاه نظامی-اقتصادی چین در عرصه بین‌المللی و نگرانی امنیتی نسبت به اهداف بلندمدت پکن، مسئله‌ی سیاست‌گذاری در قبال منطقه ایندو-پاسیفیک و همچنین چگونگی کنترل روابط با کشور چین، به یکی از مهم‌ترین چالش‌ها برای رهبران استرالیایی تبدیل شده است. بنابراین سوال پژوهش حاضر این است که استراتژی امنیتی استرالیا در منطقه ایندو-پاسیفیک در بازه ۲۰۲۰-۲۰۲۳، چگونه از متغیر مهار چین تأثیر پذیرفته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد استراتژی امنیتی استرالیا در حوزه ایندو-پاسیفیک در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ به تداوم جهت‌گیری مهار چین پایبند بوده، اما در عین حال، جهت‌گیری مزبور همگام با تحول در ملاحظات منطقه‌ای آمریکا از سال ۲۰۲۰ با نوعی تعارض‌نمایی امنیتی-اقتصادی مواجه شده است. روش طرح پژوهش توصیفی و تحلیلی است و داده‌های پژوهش نیز به روش کیفی، تجزیه و تحلیل می‌شود.

واژگان اصلی: استرالیا، چین، ایالات متحده آمریکا، ایندو-پاسیفیک، نورث‌الیسم تهاجمی.

۱. دانش آموخته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. استاد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

بسیاری از محققین و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل معتقدند که منطقه ایندو-پاسیفیک به دلیل داشتن شرایط ویژه ژئواستراتژیکی و بهره‌مندی از فرصت‌های بیشمار اقتصادی، نقش مهمی در شکل دادن به آینده‌ی نظام بین‌الملل خواهد داشت. منطقه ایندو-پاسیفیک برای استرالیا اما، به منظور حفظ روابط دوجانبه خود با کشورهای همسایه، شکل دادن به یک نظم منطقه‌ای پویا و همچنین به دلیل موقعیت مکانی و تأثیر برجسته آن در ایجاد توازن قدرت منطقه‌ای، از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. بعلاوه این کشور علاقه‌ی دیرینه‌ای به منطقه ایندو-پاسیفیک داشته و سیاست خارجی آن تمرکز ویژه‌ای بر امنیت و رفاه در جهان رقابتی فعلی دارد. استرالیایی‌ها به عنوان یک جامعه ثروتمند، به منظور تأمین نیازهای امنیتی خود طی دهه‌های اخیر، به اتحادها و پیمان‌های دفاعی متقابل روی آورده و با پیوندهای امنیتی و اقتصادی خود با قدرت‌های بزرگ (بویژه با کشورهایی که اشتراکات فرهنگی و ارزشی دارند)، تلاش کرده‌اند تا سیاست خارجی خود را متناسب با شرایط خاصی که در منطقه ایندو-پاسیفیک حاکم است تنظیم نمایند. از همین منظر، اتحاد استرالیا با ایالات متحده آمریکا پس از پایان جنگ جهانی دوم، مهم‌ترین عنصر سیاست دفاعی و امنیتی کانبرا در نظر گرفته شده است. همچنین طی یک دهه گذشته، به دلیل افزایش قدرت اقتصادی و نفوذ استراتژیکی چین در منطقه ایندو-پاسیفیک، نیاز استرالیا برای زمینه‌سازی مناسب برای تعمیق اتحاد راهبردی خود با ایالات متحده افزایش یافته است. دولت استرالیا به عنوان یک متحد کلیدی برای واشنگتن و در عین حال مهم‌ترین شریک تجاری چین، مطمئناً با معضل قرارگرفتن در یک رقابت قدرت مواجه بوده و چگونگی تنظیم یک سیاست خارجی مناسب و کارآمد در قبال تغییرات نظام بین‌الملل، از جمله مهم‌ترین موضوعاتی بوده است که ذهن بسیاری از سیاست‌گزاران استرالیایی را به خود مشغول کرده است. این درحالی است که با تغییر نظم جهانی و ظهور چشمگیر چین، هند و دیگر قدرت‌های نوظهور، ممکن است شرایط بین‌المللی استرالیا تغییر کرده و سیاست‌گزاران این کشور مجبور شوند تا آینده استراتژیکی و برنامه‌ریزی سیاست خارجی این کشور را مورد بازنگری قرار دهند. اگرچه اتحاد آمریکا و استرالیا برای چند دهه به طور مؤثر در خدمت منافع ملی هر دو کشور بوده است اما ایالات متحده همچنان به اولویت منافع ملی ذاتی خود در قبال چین و منطقه ادامه خواهد داد و این عوامل عمده‌تاً استراتژیکی می‌تواند بر آینده‌ی روابط این کشور با استرالیا اثرگذار باشد. از سویی دیگر، توسعه

نیروی نظامی و نیت مبهم چین در ارتباط با نوسازی ارتش این کشور، باعث شده است تا نگرانی‌های امنیتی گسترده‌ای از جانب کانبرا نسبت به مسئله خیزش چین شکل گرفته، که می‌تواند چالش‌های جدی و جدیدی را نه تنها برای برتری و تفوق ایالات متحده و کشورهای متحد آن، بلکه برای نظم بین‌المللی نوین ایجاد کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با اتکا به روش توصیفی-تحلیلی در تلاش است تا با تأکید بر نقش استرالیا در منطقه ایندو-پاسیفیک و قرار گرفتن این کشور در رقابت قدرت میان واشنگتن و پکن، استراتژی امنیتی استرالیا را با توجه به متغیر چین در منطقه مورد بررسی قرار دهد. برای رسیدن به این مقصود، از نظریه نورنالیسم تهاجمی بهره برده خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

برای بررسی و تحلیل موضوع مورد بحث، به برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه اشاره خواهیم کرد. رینالدو رودی کریستین مونتولالو^۱ و آناک آگونگ بانویو پرویتا^۲ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عناصر سیاست خارجی: سیاست خارجی استرالیا در قبال منطقه ایندو-پاسیفیک» تلاش کردند تا با بررسی عناصر سیاست خارجی استرالیا، نشان دهند که چگونه این عناصر ساختاری دولت استرالیا را به سوی رفاه، امنیت و ثبات منطقه‌ای هدایت کردند. پنیو زنگ^۳ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی استرالیا در قبال چین از منظر چارچوب جریان چندگانه» تلاش کرد تا بر اساس چارچوب جریان چندگانه، به تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر سیاست خارجی منفی استرالیا در قبال چین بپردازد. زنگ استدلال می‌کند که رهبری افکار عمومی و قصد سیاسی دولت برای حفظ حاکمیت قانون، عوامل کلیدی مؤثر بر جهت‌گیری سیاسی یک کشور است. همچنین روییتال هک^۴ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تصور تهدید استرالیا از چین در مورد همکاری چین-وانواتو در سال ۲۰۱۸»، تلاش کرد تا این بحث را گسترش دهد که ظهور ادارک تصور تهدید (بر اساس نظریه درک تهدید کوهن) در استرالیا مهمترین عامل در بررسی رفتار این کشور در قبال چین است. در نهایت نی نیومان راتناساری^۵ و آناک آگونگ بانویو پرویتا (۲۰۲۰) در مقاله «اجرای تعامل فزاینده

¹ Reynaldo Rudy Kristian Montolalu

² Anak Agung Banyu Perwita

³ Pengyu Zeng

⁴ Robitul Haq

⁵ Ni Nyoman Ari Tati Ratnasari

استرالیا با دولت‌های ملانزی به عنوان استراتژی دفاعی استرالیا به منظور پاسخ به ظهور چین در منطقه اقیانوس آرام جنوبی» به بررسی رشد روز افزون سیاسی_دیپلماتیک، اقتصادی و حضور نظامی چین در این منطقه پرداخته و از گسترش مناسبات و روابط دوجانبه استرالیا با کشورهای این حوزه (در راستای استراتژی دفاعی کانبرا) به منظور پاسخی روشن به خیزش چین یاد می‌کنند. پژوهش حاضر به دلیل تبیین و تحلیل استراتژی متعارض امنیتی-اقتصادی استرالیا در منطقه ایندو-پاسیفیک نوآورانه محسوب می‌شود.

۲. چارچوب نظری: نورئالیسم تهاجمی

چارچوب نظری مقاله حاضر در تبیین موضوع مورد بحث، نظریه نورئالیسم تهاجمی خواهد بود. این نظریه می‌تواند توضیحی برای میزان درگیری بین دولت‌ها در نظام بین‌الملل ارائه کرده و با ارائه یک منطق نظری کارآمد برای دولت‌های تجدیدنظر طلب، دامنه‌ی نظریه نئورئالیستی را افزایش دهد. تأکید این نظریه بر اهمیت نقش رقابت امنیتی قدرت‌های بزرگ در وضعیت هرج و مرج گونه نظام بین‌الملل سبب شده است تا بسیاری از محققین با بهره‌مندی از مفروضات این نظریه به تبیین رفتار قدرت‌های بزرگ بپردازند. جان میرشایمر مهم‌ترین نظریه‌پردازانی بود که ضمن اعتقاد به باورها و مفروضات اساسی رئالیسم در روابط بین‌الملل، تلاش کرد تا ساختار جدیدی را برای تحلیل رفتار قدرت‌های بزرگ طراحی کند. به عقیده واقع‌گرایان، ساختاری که به رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌الملل شکل می‌دهد، ویژگی هرج و مرج گونه نظام بین‌الملل است (فتح‌آبادی و رمضانی، ۱۳۹۶: ۶۳). آنارشمی یک اصل نظم‌دهنده است و این بدین معنی است که هیچ مرجع متمرکز یا داور نهایی که بالاتر از دولت‌ها باشد وجود ندارد (Mearsheimer, 2006: 73). میرشایمر مدعی است که ماهیت آنارشیک عرصه بین‌الملل باعث عدم قطعیت نیات می‌شود که ناگزیر خودیاری و معضل امنیتی را به همراه دارد و از نظر او «ترس» جوهر غم‌انگیزه سیاست بین‌الملل را به دلیل هرج و مرج، خودیاری و معضل امنیتی تشکیل می‌دهد، بنابراین دستیابی به همکاری بسیار دشوار بوده و در نتیجه آن درگیری و حتی جنگ اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (Murat, 2020: 1005). همین مسئله باعث شده است تا دولت‌ها به سوی کسب قدرت حداکثری در نظام بین‌الملل حرکت کنند. در منطق نورئالیسم تهاجمی، قاعده‌ی عمل دولت‌ها بیشینه‌سازی قدرت در نظام بین‌الملل آنارشیک است که به هژمونیک‌گرایی تعین می‌بخشد، چون تنها راه تداوم بقاء در چنین نظامی، افزایش حداکثری قدرت

نسبت به دیگران است (سلیمانی پورلک، ۱۴۰۰، ۲۳۷). قدرت مهم‌ترین عامل در روابط بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا با توجه به میزان قدرت، برخی از دولت‌ها قدرتمند و برخی دیگر ضعیف‌تر می‌باشند بنابراین، قدرت به معنای یک نیروی پیشران، عنصر اساسی روابط بین‌الملل محسوب می‌شود (Lomia, 2020: 595). میرشایمر در مورد اینکه چرا قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای، برای کسب قدرت و جایگاه برتر با هم رقابت می‌کنند، پنج مفروض را پیرامون نظام بین‌الملل بیان می‌کند (صالحی، زارع، ۱۳۹۶، ۹۶). نخست، کشورها، به ویژه قدرت‌های بزرگ، بازیگران اصلی در در سیاست جهان هستند. دوم، همه کشورها از میزانی از توانایی‌های نظامی تهاجمی برخوردارند و هر کشوری قادر است تا به همسایگانش خسارت وارد کند (فلاحی، عامری، ۱۳۹۵، ۶۹). دولت‌ها، بالقوه برای یکدیگر خطرناک هستند، اگرچه برخی از آن‌ها نسبت به دیگران از امکانات نظامی بیشتری برخوردارند و در نتیجه خطرناک‌تر هستند (صالحی، زارع، ۱۳۹۶، ۹۷). سوم، کشورها این توانایی را ندارند تا از نیت و اهداف سایر دولت‌ها مطمئن باشند. بدین ترتیب دولت‌ها دارای قابلیت‌های تهاجمی هستند که می‌تواند بقای سایر کشورها را چه از طریق اقتصادی یا نظامی تهدید کنند. بنابراین دولت‌ها نمی‌توانند به دانش خود در مورد اینکه چه سلاح‌هایی می‌توانند برای اهداف تهاجمی استفاده شوند یا نمی‌توان استفاده کرد، تکیه کنند و این بی‌اعتمادی را در بین دولت‌ها دامن می‌زند (Mysicka, 2021: 66). چهارم، هدف غایی و نهایی کشورها بقاست. میرشایمر معتقد است که کشورها در راستای حفظ و تأمین بقا، علاوه بر افزایش قدرتشان، تلاش می‌کنند از قدرت‌گیری مخالفان جلوگیری کرده و معارضین علیه خود را تحت کنترل درآورند (عابدینی، مسعودنیا و گودرزی، ۱۴۰۱، ۱۲). پنجم، دولت‌ها بازیگرانی منطقی هستند که قادر به محاسبه ابزارهای ممکن برای دستیابی به اهداف منتخب سیاست خارجی هستند همچنین آنها قادرند سود و زیان اقدامات احتمالی آینده خود را محاسبه کرده و بر اساس آن عمل کنند. میرشایمر مدعی است که کنار هم قرار دادن این مفروضات نشان می‌دهد که جهان واقع‌گرای تهاجمی مکان بسیار خطرناکی است، جایی که بهترین استراتژی برای بقای دولت‌ها، آماده‌سازی برای بدترین و اجرای سیاست خارجی تهاجمی با حداکثر کردن بی‌رحمانه قدرت نسبی‌شان است (Mysicka, 2021: 66). این شرایط نشان می‌دهد که دولت‌ها نه تنها می‌بایست دغدغه موازنه قوا و حفظ قدرت داشته باشند بلکه باید به خود متکی بوده و بقای خود را با پیشینه‌سازی قدرت نسبی افزایش دهند. میرشایمر معتقد است که هیچ حد بالایی برای میزان قدرتی که دولت‌ها می‌خواهند وجود ندارد و هژمون جهانی بودن ارجح‌ترین

موقعیت برای هر دولتی است. حتی کشور هژمون نیز هنوز کاملاً راضی نبوده و درصدد است تا از ظهور رقبای هم‌تراز خود جلوگیری کند (فلاحی، عامری، ۱۳۹۵، ۷۰). اما میرشایمر می‌پذیرد که دستیابی به هژمونی جهانی احتمالاً دست نیافتنی و غیرممکن است (سلیمانی پورلک، ۱۴۰۰، ۲۳۸). در نهایت میرشایمر معتقد است که مناسب‌ترین شرایط برای یک قدرت بزرگ، تبدیل شدن آن به یک هژمون منطقه‌ای در سطح جهان است (Mearsheimer, 2001: 42). زیرا هژمونی جهانی مستلزم برخورداری از برتری آشکار هسته‌ای به قدری است که بتواند رقبای خود را بدون ترس از انتقام ویران کند. به همین دلیل قدرت‌های بزرگ به دنبال دستیابی به هژمونی منطقه‌ای بر مناطق مربوطه خود هستند تا بهترین موقعیت را در برابر سایر قدرت‌های بزرگ از نظر امنیتی به دست آورند. در این پژوهش تلاش شده است تا از نظریه نورثالیسم تهاجمی به دلیل برخورداری از ظرفیت درونی مناسب برای تحلیل ظهور هژمونی‌های منطقه‌ای، فراهم کردن چارچوبی برای درک رفتار دولت در نظام بین‌الملل آنارشیک و توضیح دلایل شکل‌گیری اتحادها و تغییر موازنه قدرت در نظام بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرد.

۳. سیاست امنیتی استرالیا در منطقه ایندو-پاسیفیک؛ با تأکید بر چین

۱.۳. قبل از ۲۰۲۰

در وهله نخست باید توجه داشت که سیاست خارجی و امنیتی استرالیا حداقل در دهه اخیر دستخوش هیچگونه تغییر بنیادی و اساسی نشده و اتحاد کانبرا با ایالات متحده برای امنیت استرالیا نقش محوری داشته و هسته‌ی اصلی برنامه‌ریزی استراتژیک و دفاعی این کشور را تشکیل می‌دهد (Australian Foreign Policy White Paper, 2017: 37). همچنین یکی از دلایلی که باعث شده است تا منطقه ایندو-پاسیفیک پس از جنگ جهانی دوم برای مدت طولانی از صلح و ثبات برخوردار باشد، حضور آمریکا و درگیری آن در این منطقه بوده است (Fitzsimmons, 2023: 166). بعلاوه، دولت استرالیا توسعه‌ی مناسبات دوجانبه با سایر دموکراسی‌های منطقه را به منظور ایجاد تعادل قدرت و حفظ منافع ملی این کشور در حوزه ایندو-پاسیفیک در دستور کار خود قرار داده بود. در همین راستا افزایش تعاملات دفاعی با کشورهای منطقه ایندو-پاسیفیک از طریق گسترش آموزش، اجرای رزمایش‌های نظامی و ظرفیت‌سازی، از جمله اصول بنیادی است که دولت استرالیا خود را متعهد به انجام آن می‌داند. نکته

حائز اهمیت برای دولت استرالیا این است که رفاه و امنیت در منطقه، تنها در صورتی تأمین خواهد شد که دولت‌های منطقه به هنجارها و قوانین بین‌المللی احترام گذاشته و از به کار بردن قدرت قهری خود اجتناب کنند.

۲,۳. هویت‌یابی «مسئله چین» در چارچوب ملاحظات منطقه‌ای استرالیا

استرالیا به عنوان یک قدرت متوسط در منطقه ایندو-پاسیفیک و عضوی حیاتی در حوزه اقتصادی آسیا، از یک سو، از رشد اقتصادی و گسترش بازار کشورهای آسیایی، عمدتاً از صادرات خود به چین، در قرن بیست و یکم سود برده، اما از سویی دیگر، کانبرا از نظر سیاسی و امنیتی با کشورهای آسیایی به نوعی بیگانه باقی مانده است (Zhang & Wang, 2023:5). کشور استرالیا به عنوان مستعمره سابق بریتانیا، همچنان هویت و تاریخ غربی خود را حفظ کرده و به طور مداوم پیوندهای سیاسی و امنیتی خود را با دولت‌های غربی تحکیم می‌بخشد. بدین ترتیب براساس منافع اقتصادی و ملاحظات ژئوپلیتیکی طی دهه‌های اخیر، کانبرا استراتژی "سیاست سرد و اقتصاد گرم" را در دستور کار خود در قبال چین و تحولات منطقه‌ای قرار داده بود. همین مسئله موجب شد تا در نهایت چین و استرالیا توافقنامه تجارت آزاد را در سال ۲۰۱۵ به امضا رسانده و روابط میان خود را به سطح بالاتری ارتقا دهند (Westacott, 2015). با این حال، با افزایش قدرت نسبتاً رو به رشد چین و تغییر جایگاه استراتژیک ایالات متحده در منطقه ایندو-پاسیفیک، استرالیا احساس نگرانی و ناامنی شدیدی نسبت به نیات و اهداف پکن در منطقه حس کرده، که نه تنها در جهت‌گیری مجدد سیاست دولت استرالیا منعکس شده، بلکه در نتایج نظرسنجی‌های افکار عمومی در استرالیا نیز مشهود بوده است.

با بررسی اسناد دفاعی استرالیا که از سال ۲۰۱۶ به بعد منتشر شد، مشخص می‌شود که بخش زیادی از تحولات در شرق آسیا حول محور ظهور بالقوه چین به عنوان یک قدرت بزرگ و نگرانی از پیامدهای احتمالی که پکن بر امنیت منطقه تحمیل می‌کند، می‌چرخد. برای مثال، در این اسناد تأکید شده است که ثبات در منطقه تا حد زیادی به نحوه استفاده مسئولانه پکن از قابلیت‌های نظامی آن بستگی دارد (Farneubun, 2022:148). همانطور که کوین راد نخست‌وزیر سابق استرالیا در مصاحبه‌ای اعلام کرد "چین با نظامی‌سازی سریع و گسترش نیروی دریایی خود، استرالیا، آمریکا و سایر قدرت‌های منطقه را مجبور کرده است تا بار دیگر ظرفیت‌های نظامی خود را بازنگری کنند" (Ferguson, 2023).

¹ cold politics and warm economics

² Kevin Rudd

کشور استرالیا که به وسیله آب احاطه شده است، به طور کلی نگرانی‌های ژئوپلیتیکی خود را بر اساس منطقه حساس ایندو-پاسیفیک تعریف کرده و به طور مداوم سیاست‌گذاری‌های خود را با توجه به تحولات بین‌المللی در این منطقه تدوین می‌کند. موقعیت جغرافیایی استرالیا باعث شد که رقابت در منطقه ایندو-پاسیفیک یک ملاحظه ضروری برای سیاست‌گذاری در نظر گرفته شود و همین موضوع سبب شده تا کانبرا شدیداً نسبت به تغییرات قدرت نظامی دریایی در منطقه حساس شود (Zhang & Wang, 2023:5). در همین راستا نوسازی گسترده نیروی دریایی چین که از اواخر دهه ۱۹۹۰ آغاز شده بود و در طول دو دهه، نیروی دریایی این کشور را به دومین نیروی دریایی بزرگ جهان از نظر سخت افزار تبدیل کرد و نفوذ پکن را در آب‌های دور دست اقیانوس آرام و اقیانوس هند گسترش داد. بنابراین چین به عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه ایندو-پاسیفیک، در سال‌های اخیر به طور فعال تحول دریایی استراتژیک، نوسازی نظامی و توسعه قدرت دریایی را دنبال کرده و اتخاذ این استراتژی نگرانی استرالیا را به همراه داشته است.

در همین مقطع زمانی، با توجه به ادراک تهدید از جانب چین، نخبگان سیاسی استرالیا نظریه تهدید چین را منتشر کرده و نتیجه آن باعث شد تا چین به طور فزاینده‌ای به عنوان یک تهدید امنیتی مهم در نظر گرفته شود. در همین چارچوب، تقویت نیروهای نظامی چین بخش بزرگی از این نظریه تهدید بوده است که به خودی خود، پتانسیل درگیری‌های نظامی در منطقه را افزایش داده و حتی ممکن است سایر کشورها را تشویق کند تا نیروهای نظامی خود را مدرن کنند (Forrest, 2023). بنابراین چگونگی ایجاد ارتباط با کشورهای قدرتمند نظیر ایالات متحده در حوزه ایندو-پاسیفیک و همچنین نیاز به تعامل سازنده با کشورهای منطقه نظیر هند و ژاپن، از جمله مهم‌ترین مسائلی هستند که استرالیا در سیاست خارجی و ملاحظات امنیتی خود در قبال چین در حوزه ایندو-پاسیفیک در نظر گرفته است (Tyler & Shearman, 2023).

با این وجود در دولت تحت رهبری اسکات موریسون تا پیش از سال ۲۰۲۰ تلاش شد تا از یک سو از مشارکت نزدیک‌تر و تحکیم پیوندهای اقتصادی میان چین و استرالیا حمایت شود و از سوی دیگر و بر اساس ملاحظات امنیت ملی، برخی از سرمایه‌گذاری‌های چینی در این کشور مسدود شوند (Fitzsimmons, 2023:165). موریسون به منظور حفظ رابطه خود با چین تمایل داشت تا از آمریکا کمی فاصله گرفته و مراقب بود تا در مصاحبه‌های خود از پکن به تندی انتقاد نکند. در این مقطع این تفکر که ممکن است واشنگتن آن متحد با ثبات و قابل پیش‌بینی نباشد همراه با فرض ادامه

رشد خطی چین و رکود آمریکا، باعث شد تا استرالیا تلاش کند تا ارتباط خود را با چین ثروتمند، با منافع و ارزش‌های متفاوت حفظ کند (Medcalf, 2018: 33). همچنین با توجه به رویکرد دولت ترامپ در قبال نهادهای بین‌المللی و عدم توجه کافی به چندجانبه‌گرایی در روابط با متحدین خود، دولت وقت استرالیا تلاش کرد تا بر اهمیت بیشتر اتحاد استراتژیک با چین تأکید کند (Fitzsimmons, 2023: 166). بنابراین به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی گسترش و حفظ رابطه دوجانبه کانبرا-پکن در دستور کار سیاستمداران استرالیایی قرار داشته و اهمیت توجه به نقش راهبردی چین در منطقه مورد توجه دولت استرالیا قرار داشت.

۴. سیاست امنیتی استرالیا در منطقه ایندو-پاسیفیک؛ با تأکید بر چین بعد از ۲۰۲۰

۴.۱. اصول ناظر بر سیاست امنیتی استرالیا؛ وجوه تداوم و تغییر

طی سالیان اخیر منطقه ایندو-پاسیفیک به دلیل رقابت قدرت‌های بزرگ، به طور فزاینده‌ای به سوی بی‌ثباتی امنیتی در حال حرکت بوده و اسناد استراتژیک دفاعی استرالیا نشان می‌دهد که کانبرا مشتاق بوده است تا موقعیت خود را در منطقه ایندو-پاسیفیک، به ویژه در موازنه چین حفظ و تقویت کند. با توجه به اینکه توانمندی‌های نظامی استرالیا برای مدیریت تهدیدات بزرگ برای رهبران این کشور ناکافی درک شده است، کانبرا تمایل دارد تا با توسعه سیستم موشکی و تجهیزات نظامی خود، موقعیت برجسته خود را در معماری امنیتی منطقه‌ای بهبود بخشد (Sahu, 2023). بدین ترتیب از اوایل سال ۲۰۲۰ احساس ترس و نگرانی شدید نسبت به رفتار سیاسی چین در منطقه ایندو-پاسیفیک افزایش یافت و دیدگاه‌های منفی نسبت به نیت پکن در دولت وقت استرالیا فوراً رشد کرد (Fitzsimmons, 2023: 168). در واقع بزرگ‌ترین نگرانی امنیتی کشورهای حوزه ایندو-پاسیفیک به استفاده‌ی نظامی چین از جزایر موجود در دریای جنوبی مربوط می‌شود، جایی که با تجهیز آن به تسلیحات نظامی، پکن از یک مزیت نظامی برخوردار خواهد بود و این مسئله نه تنها بر روابط دوجانبه‌ی ناپایدار میان کانبرا و پکن اثر منفی خواهد داشت بلکه برای اندونزی و فیلیپین نیز که اختلافات سرزمینی با چین دارند شدیداً نگران‌کننده خواهد بود. در همین راستا کوین راد یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش تنش‌ها میان پکن و کانبرا را تبدیل شدن چین به یک کشور قدرتمند می‌داند که به طور فزاینده‌ای قاطعانه‌تر در سیاست خارجی خود عمل می‌کند و این روند تحت رهبری شی جین پینگ تقویت شده است (Hurst, 2020).

با وجود تلاش‌های دولت کارگر به رهبری آنتونی آلبنیز^۱ برای تثبیت روابط با چین، اما حزب کارگر همچنان نسبت به مقاصد و اهداف نظامی پکن در مقیاس گسترده با نگرانی می‌نگرد (Hurst, 2023). بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که یکی از اصلی‌ترین دلایل پیوستن استرالیا به اتحادها و ائتلاف‌های گوناگون، به عقب بودن توانایی دفاعی این کشور در مقابل چین مربوط می‌شود. رهبران چین با گسترش اهداف هژمونیک و توسعه طلبانه خود، دولت استرالیا را مجبور کردند تا برای رویارویی احتمالی با این کشور، توان دفاعی خود را ارتقاء دهند. بدین ترتیب می‌توان دریافت که تمایل به برقراری موازنه و کنترل رفتار چین در منطقه ایندو-پاسیفیک، حداقل طی یک دهه اخیر یکی از مهم‌ترین عواملی بوده است که در سیاست امنیتی و دفاعی این کشور تداوم داشته است. این در حالی است که با توسعه نفوذ چین در منطقه به ویژه در دریای جنوبی، عدم اطمینان نسبت به تعهدات ایالات متحده در قبال استرالیا و محدود شدن فضای دریایی این کشور در ایندو-پاسیفیک، نیاز به گسترش و توسعه زیرساخت‌های نظامی در این کشور بیش از پیش حس شده و می‌توان این مسئله را مهم‌ترین وجه تغییر در راهبرد استراتژیک استرالیا در قبال چین در این بازه زمانی دانست. بدین ترتیب از منظر استرالیا، رسیدن به صلح و ثبات در منطقه می‌تواند از طریق دستیابی به قدرت و جلوگیری از تهاجم چین با داشتن نیروی دفاعی توانمند در ایندو-پاسیفیک تأمین شود (Bassi & Shrimpton, 2023). در همین راستا بسیاری از مقامات دولت استرالیا تلاش کرده‌اند تا تأکید کنند که سیاست خارجی این کشور بر اساس منافع مشترک و نه ارزش‌ها، متمایز و جدا از ایالات متحده تعریف می‌شود (Hsu, 2022). در همین زمینه دولت استرالیا تصمیم گرفته است حدود ۲۷۰ میلیارد دلار در طول سال‌های آینده برای افزایش توانمندی‌های نظامی و دفاعی خود سرمایه‌گذاری کند (Australian Government Defence, 2022). همین موضوع خطر درک شده بسیار مهمی از جانب کانبرا در قبال رشد نفوذ چین منطقه ایندو-پاسیفیک را نشان می‌دهد. بر اساس گزارش مرکز تحقیقات ارتش استرالیا، دولت این کشور تمایل دارد تا «اتکا به خود» را در سیاست خارجی این کشور افزایش دهد زیرا از نظر استراتژیست‌های استرالیایی، دفاع از استرالیا بدون توجه به امنیت منطقه و نظم جهانی مبتنی بر قانون بی‌معنا خواهد بود (Hurst, 2023). در این راستا دولت استرالیا در تلاش است به منظور مقابله با تهدید چین و محدود کردن حوزه نفوذ

¹ Anthony Albanese

² Self-Reliance

آن در منطقه، تسلیحات تهاجمی دور برد خود را توسعه داده، زیردریایی با قدرت هسته‌ای ساخته و قابلیت‌های خود را برای ایجاد منع دسترسی به این منطقه گسترش دهد (Grady, 2022).

۵. تداوم پایبندی به جهت‌گیری امنیتی مهار چین

هیو وایت^۱ در کتاب "چطور از استرالیا دفاع کنیم" از دولت استرالیا می‌خواهد که با توجه به ظهور چین، سیاست خارجی خود را تا حد زیادی برای پیش‌بینی تضعیف اتحاد این کشور با ایالات متحده برنامه‌ریزی نماید (White, 2019). وایت به منظور ترغیب کردن دولت و مردم استرالیا سعی داشت توجه آن‌ها را به ارزیابی مجدد دوام اتحاد با ایالات متحده و تأمل در توانایی‌های نظامی خود استرالیا جلب کند. در همین راستا خانم پنی وونگ^۲ وزیر خارجه استرالیا طی سخنرانی خود در سنگاپور، با اشاره به اهمیت همکاری با کشورهای آسیای جنوب شرقی، به شکل دادن شیوه‌ها و نتایجی که از منافع جمعی کشورهای منطقه در مقابل چین حمایت می‌کنند، تأکید کرده و ایجاد موضعی که چالش چین را جدی گرفته، اما از تلاش‌های آمریکا برای مهار چین متمایز است را، مفید دانست (Laurenceson, 2022). در حقیقت کشور استرالیا به دلیل قرار داشتن در پیمان‌ها و معاهدات نظامی متعدد با ایالات متحده، از نظر امنیتی خود در راستای بلوک غرب تعریف کرده و این امر کابرا را تبدیل به بازیگری کرده است که بعد منطقه‌ای در رقابت مداوم با پکن قرار دارد. از سویی دیگر، افزایش ادامه دار بودجه نظامی چین در سال جاری یک زنگ خطر جدی برای استرالیا در نظر گرفته شده چرا که افزایش بودجه نظامی یک کشور یا به منظور رسیدن به اهداف تدافعی یا تهاجمی صورت می‌پذیرد؛ بدین صورت بعید به نظر می‌رسد که افزایش سالانه بودجه نظامی چین تنها به منظور افزایش ظرفیت‌های دفاعی این کشور باشد. آمارها نشان می‌دهد که هزینه‌های دفاعی چین امسال ۷,۲٪ افزایش خواهد یافت و قرار است ۲۲۴ میلیارد دلار (معادل ۱,۵۵ تریلیون یوآن) به هزینه‌های نظامی این کشور اختصاص یابد (Tian, 2023). بنابراین به منظور جستجو برای دستیابی به برتری منطقه‌ای، آسیب زدن به منافع ملی پکن و یا همکاری با رقبای استراتژیک چین (آمریکا یا ژاپن)، پکن ممکن است استرالیا را تهدید کرده و از اجبار یا زور در روابط خود با کابرا استفاده نماید (Farneubun, 2022: 149).

¹ Hugh White

² Penny Wong

به واقع چین قادر است تا تهدیدات متعددی برای منافع ملی استرالیا در منطقه ایندو-پاسیفیک ایجاد کرده و با استفاده قاطعانه‌ی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود، بر ثبات و رویکرد دفاعی دولت‌های منطقه اثرگذار باشد. یکی از مهم‌ترین محورهای این تهدیدات، گسترش نظامی‌گری در منطقه بوده است که می‌تواند پتانسیل درگیری‌های نظامی را در منطقه افزایش داده و کشورهای منطقه از جمله استرالیا را به سوی مدرن‌سازی نیروهای نظامی خود هدایت کند. علاوه بر این، سیاست‌ها و اقدامات چین (اعم از نظامی و غیر نظامی) در چند سال گذشته به منظور تغییر شکل امنیتی منطقه بوده است همین موضوع باعث شده است تا بسیاری از سیاستگذاران استرالیایی نگران تغییر چشم‌انداز موازنه قدرت جهانی به نفع چین باشند (Forrest, 2023). محور مهم بعدی به استفاده‌ی چین از ابزارهای سیاسی و اقتصادی به منظور اعمال نفوذ بر استرالیا مربوط می‌شود که می‌تواند بر مسئله تمامیت ارضی استرالیا و روابط آن با پکن اثرگذار باشد (Schaus, 2023). همچنین پکن با گسترش نفوذ خود در منطقه به ویژه در دریای جنوبی تلاش دارد تا از ارباب و اجبار خود علیه بسیاری از کشورهای ساحلی از جمله استرالیا و همسایگان خود در حوزه ایندو-پاسیفیک استفاده کرده و از تلاش آن‌ها برای اعمال قوانین بین‌المللی جلوگیری کند (U.S Department of State, 2021a). برای مثال دولت استرالیا بارها در ارتباط با تعاملات نیروی دریایی چین با کشتی‌های کشورهای همجوار در منطقه به طور جدی ابراز نگرانی کرده و رفتار پکن را برای منطقه «نامن» توصیف کرده است (McKeith, 2023). در واقع نگرانی و عدم قطعیت موجود در رفتار سیاسی دولت استرالیا در رابطه با مسئله چین را می‌توان در مصاحبه‌ها و صحبت‌های وزیر دفاع این کشور به سادگی متوجه شد. آقای انگوس کمبل وزیر دفاع استرالیا با هشدار نسبت به توسعه نیروهای مسلح چین، اعلام کرد که استرالیا باید به سرعت و به طور اساسی در برنامه‌های دفاعی خود تجدید نظر کند، همچنین استرالیا دیگر قادر نخواهد بود تا به موقعیت جغرافیایی خاص خود علیه تهدیدات امنیتی جدید تکیه کند. ادعای حاکمیت چین بر دریای جنوبی چین، نظم جهانی مبتنی بر قوانین در منطقه ایندو-پاسیفیک را به گونه‌ای تهدید می‌کند که بر منافع ملی استرالیا تأثیر منفی می‌گذارد (McLeod, 2023). نتیجتاً به دلیل رویکرد تهاجمی و ظرفیت‌های دفاعی چین در منطقه ایندو-پاسیفیک، استرالیا از پکن به عنوان "بزرگترین نگرانی امنیتی" در این منطقه یاد می‌کند.

¹ Angus Campbell

² Largest Security Anxiety

۶. استرالیا و رابطه با ایالات متحده آمریکا در منطقه ایندو-پاسیفیک

اساساً برای درک بهتر سیاست خارجی و امنیتی استرالیا می‌بایست به عوامل گوناگونی در منطقه ایندو-پاسیفیک توجه کرده و با در نظر گرفتن متغیر آمریکا به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تحولات منطقه، به تبیین موضوع مورد بحث پرداخت. برای بسیاری از تحلیلگران، ایالات متحده آمریکا به عنوان یک قدرت پیشرو در منطقه ایندو-پاسیفیک با داشتن منافع پایدار در حفظ شبکه اتحادی قدرتمند به منظور برقراری نظم منطقه‌ای، دستیابی به صلح، و رفاه اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. واشنگتن و کانبرا بر پایه‌ی ارزش‌های دموکراتیک، منافع مشترک و وابستگی‌های فرهنگی، همواره تلاش کرده‌اند تا روابط پایدار خود را به منظور رسیدن به ثبات سیاسی و بین‌المللی در منطقه ایندو-پاسیفیک و در سراسر جهان حفظ کنند (US Department of State, 2023b).

برای دولت استرالیا، عمق رابطه با ایالات متحده و فرهنگ استراتژیک خاصی که در نتیجه‌ی تاریخ، جغرافیا و متعاقب آن اتکای امنیتی به شرکای بزرگ و قدرتمند به وجود آمده، باعث شده است تا هرگونه تغییر در روابط آن با ایالات متحده آمریکا بعید به نظر برسد (Beeson & Bloomfield, 2019:1). به واقع کانبرا یک شریک و متحد استراتژیک آمریکا در منطقه ایندو-پاسیفیک محسوب شده و روابط امنیتی این دو کشور در لحظات مهم، مبتنی بر ایده وفاداری متقابل بوده است و دولت استرالیا به طور منظم در ائتلاف‌های تحت رهبری ایالات متحده شرکت کرده، تا اعتبار خود را به عنوان یک متحد قابل اعتماد حفظ کند، که در صورت لزوم باید وفاداری آن جبران شود (Henry, 2020:402). در همین زمینه ایالات متحده و استرالیا علاقه شدیدی به حفظ آزادی دریانوردی و سایر استفاده‌های قانونی از دریا در منطقه ایندو-پاسیفیک به ویژه در دریای جنوبی چین داشته و دارند و همین موضوع علاقه مشترک برای همکاری‌های بیشتر باعث شده است که چندین قرارداد امنیتی و دفاعی شامل اتحاد نظامی و تعهدات دفاعی متقابل میان کانبرا و واشنگتن منعقد گردد. در همین راستا، ایالات متحده و استرالیا در سال ۲۰۱۷ یک رزمایش نظامی مشترک اجرا نمودند که می‌توان آن را بیان‌کننده و ادامه‌دهنده اتحاد سه جانبه دیگری (ANZUS) میان استرالیا، آمریکا و نیوزیلند دانست که بر تعهدات مشترک و دفاع جمعی تأکید کرده و با افزایش نگرانی‌های امنیتی مرتبط با چین و تهدیدات احتمالی در منطقه ایندو-پاسیفیک، منجر به شکل‌گیری اتحاد جدیدی (AUKUS) در سال ۲۰۲۱ شد که به موجب آن به استرالیا اجازه داده شد تا به منظور دفاع از خود، نیروی دریایی هسته‌ای ایجاد کند (Farneubun, 2022:151). اساساً انگیزه اصلی

AUKUS ناشی از این تصور است که چین تبدیل به یک تهدید امنیتی منطقه‌ای رو به رشد گردیده است (Cox, Cooper & O'Connor, 2023:2). اگرچه می‌بایست به این نکته توجه کرد که این مشارکت امنیتی به عنوان یک تلاش در راستای کنترل ظهور نظامی چین در ایندو-پاسیفیک نیز در نظر گرفته می‌شود. این توافقنامه نه تنها برای اولین بار به استرالیا اجازه بهره‌مندی از زیر دریایی هسته‌ای را در کوتاه مدت می‌دهد بلکه در بلندمدت به استرالیا این امکان را می‌دهد تا استراتژی سیاست بزرگ خود را در قبال ظهور نظامی چین و شیوه تعامل با آن تقویت کند (Wintour, 2021). اساساً مشارکت کانبرا-واشنگتن، قابلیت‌های نظامی پیشرفته را برای ارتقای ثبات و امنیت در منطقه ایندو-پاسیفیک ارائه کرده و کنترل تسلیحات و مقابله با اشاعه آن، از دیگر دستاوردهای این همکاری امنیتی بوده است.

۷. رابطه با آمریکا بر محور مشارکت برای مهار چین در ایندو-پاسیفیک

مدیریت مؤثر امنیت در منطقه ایندو-پاسیفیک مسلماً به مهم‌ترین ضرورت برای حفظ صلح و ثبات جهان معاصر تبدیل شده است و تنش‌های حاد بر سر مسائل امنیتی سنتی نظیر شبه جزیره کره، معضلات امنیتی در دریاها شرقی و جنوبی چین و پیامدهای استراتژیک «ظهور چین» همچنان مشهود باقی مانده است (Tow, 2019:232). چشم انداز ایالات متحده برای منطقه ایندو-پاسیفیک یک منطقه آزاد و باز متشکل از کشورهای مستقل، قوی و مرفه است، و پیشبرد و رسیدن به یک منطقه آزاد و باز بر سه رکن اقتصاد، حکومت و امنیت استوار است (US Mission To ASEAN, 2020). ایالات متحده مدت‌هاست که منطقه ایندو-پاسیفیک را برای امنیت و رفاه خود حیاتی تشخیص داده است و جنگ جهانی دوم به ایالات متحده یادآوری کرد که این کشور تنها در صورتی می‌تواند امن باشد که آسیا هم از امنیت مقبولی برخوردار باشد (The White House, 2022:4). اسناد رسمی استراتژی امنیت ملی و استراتژی دفاع ملی ایالات متحده در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، از چین به عنوان یک تهدید امنیتی و یک رقیب استراتژیک برای ایالات متحده یاد کرده که باعث شکل‌گیری دوران جدیدی از رقابت قدرت‌های بزرگ شده است. پکن با افزایش قابلیت‌های نظامی، گسترش نفوذ خود در منطقه، گسترش اقتدارگرایی و اقدامات قهری، در تلاش است تا نظم جدیدی را در منطقه ایندو-پاسیفیک شکل دهد (Kireeva, 2017:109). با بررسی اسناد رسمی امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری بایدن می‌توان دریافت که

ایالات متحده مصمم است که موقعیت بلندمدت خود را در منطقه حفظ و سپس تعهدات خود را نسبت به منطقه ایندو-پاسیفیک تقویت کند (The White House, 2022:5). بر این اساس مهمترین چالش برای برقراری امنیت و ثبات در منطقه ایندو-پاسیفیک، رفتارهای تهاجمی چین خواهد بود که ادعاهای ارضی خود را در حوزه دریایی و همچنین قاره‌ای به پیش می‌برد. این استراتژی خاطر نشان می‌کند که چین در حال ترکیب قدرت اقتصادی، دیپلماسی، نیروی نظامی و فناوری خود برای دنبال کردن یک حوزه نفوذ در منطقه ایندو-پاسیفیک است تا بدین وسیله تبدیل به تأثیرگذارترین قدرت جهان شود (Gurjar, 2022). چین شکل متفاوتی از چالش امنیتی را نسبت به آنچه که قبلاً واشنگتن و شرکای امنیتی منطقه‌ای آن با آن روبرو بودند، ارائه می‌کند. همانطور که چین از نظر اقتصادی رشد کرده است، تمایل این کشور به اعمال اجبار اقتصادی علیه همسایگان و کشورهایی که روابط سردتری با آن دارد نیز افزایش یافته است (Reynolds & Goodman, 2023). بنابراین نفوذ اقتصادی فزاینده چین و پیامدهای استراتژیک آن برای کشورهای کوچک‌تر در منطقه ایندو-پاسیفیک موضوعی نگران‌کننده بوده است. پروژه‌های زیربنایی که با بودجه چین و تعهدات بدهی کشورهای دریافت‌کننده، منجر به ظهور یک تله بدهی می‌شود، باعث شده است تا ایالات متحده همکاری با شرکای منطقه‌ای خود را افزایش دهد بدین ترتیب این استراتژی استدلال می‌کند که ایالات متحده از متحدان و شرکای منطقه‌ای خود حمایت کرده و به آنها قدرتی می‌دهد تا خودشان نقش‌های رهبری منطقه‌ای را بر عهده بگیرند (Gurjar, 2022). تحلیل‌گران آمریکایی بر این باورند که وضعیت ایالات متحده در نظم دهی به منطقه ایندو-پاسیفیک، به قدرت آن بستگی دارد و چین قدرتمندتر می‌تواند توانایی واشنگتن را برای اعمال نفوذ در منطقه تهدید کند (Cooper & Carr, 2023:285).

واشنگتن به منظور ایفای یک نقش مؤثر و پایدار در منطقه ایندو-پاسیفیک، اتحادهای قدیمی را نوسازی کرده، مشارکت‌های نوظهور را تقویت، و از ظرفیت جمعی منطقه ایندو-پاسیفیک برای مقابله با چالش‌های قرن بیست و یکم حمایت می‌کند (The White House, 2022:6). در جدیدترین تحولات، ژاپن افزایش قابل توجهی را در هزینه‌های دفاعی خود اعلام کرده است، ایالات متحده توافق نامه دفاعی جدیدی را تحت عنوان توافقنامه امنیت عمومی اطلاعات نظامی (GSOMIA) امضاء کرده است و چین تهاجمات استراتژیک خود را به حریم هوایی تایوان افزایش داده و بیانیه مشترک پیمان AUKUS در مارس ۲۰۲۳، استرالیا را متعهد می‌کند که ۳۶۸ میلیارد دلار

استرالیا برای زیردریایی‌های هسته‌ای هزینه کند (Malhotra, 2023). همه این تحولات حاکی از آن است که نظامی‌سازی آشکار و رو به رشد در منطقه ایندو-پاسیفیک در حال انجام است. مطابق با رویکرد گسترده ایالات متحده، اتحادها و مشارکت‌های امنیتی در دستور کار و اولویت این کشور در قبال منطقه ایندو-پاسیفیک قرار دارد و در سرتاسر این منطقه، ایالات متحده با شرکای خود برای تعمیق همکاری و توسعه و استقرار قابلیت‌های جنگی پیشرفته همکاری خواهد داشت، همچنین مدرن‌سازی اتحادهای آمریکا با کشورهایی نظیر استرالیا و ژاپن نیز به عنوان منبعی برای تأمین امنیت منطقه ادامه خواهد داشت (The White House, 2022: 12). بعلاوه گفتگوی چهارجانبه امنیتی (Quad)، یک ساختار غیررسمی برای ترویج "ایندو-پاسیفیک آزاد و باز"، ایالات متحده را با ژاپن، استرالیا و هند گرد هم می‌آورد تا در برابر نظامی‌سازی نیروهای مسلح چین تعادل برقرار کنند (Malhotra, 2023). دیپلمات‌های ارشد آمریکا، ژاپن، استرالیا و هند در نشستی که در دهلی نو برگزار شد، نگرانی‌های خود را در مورد قاطعیت فزاینده چین در منطقه ایندو-پاسیفیک ابراز داشته و در بیانیه مشترکی که پس از نشست چهارگانه (بدون اشاره به نام چین) صادر شد آوردند که "ما از نظامی‌سازی، استفاده خطرناک از کشتی‌های گارد ساحلی و شبه نظامیان دریایی و تلاش برای ایجاد اختلال در فعالیت‌های بهره‌برداری از منابع دریایی دیگر کشورها ابراز نگرانی می‌کنیم" (Pasricha, 2023). بنابراین به نظر می‌رسد ملاحظات امنیتی ایالات متحده در ارتباط با منطقه ایندو-پاسیفیک باعث شده است تا واشنگتن توجه ویژه‌ای به موقعیت استراتژیک و جایگاه بین‌المللی استرالیا در منطقه داشته باشد و با بهره‌مندی از پیوندهای نظامی و امنیتی با کانبرا، تلاش کند تا با همراه کردن هرچه بیشتر استرالیا با خود (به عنوان بخشی از یک شبکه گسترده)، استراتژی کلان خود را به وسیله محدود کردن حوزه نفوذ چین را با قدرت بیشتری ادامه دهد. بدین ترتیب در نشستی که در حاشیه اجلاس G7 در هیروشیما ژاپن برگزار شد، رهبران کشورهای چهارگانه QUAD در بیانیه‌ای ضمن اشاره مستقیم به اقدامات و تاکتیک‌های چین برای اعمال فشار و گسترش نظامی پکن، اعلام کردند که به شدت با اقدامات بی‌ثبات‌کننده یا یکجانبه‌ای که به دنبال تغییر وضع موجود با زور یا اجبار باشد مخالفند (The Guardian, 2023).

¹ Free and Open Indo-Pacific

۸ استرالیا و چین؛ تعارض‌نمایی در سیاست‌های اقتصادی-امنیتی کانبرا

۱.۸. وابستگی اقتصادی مشترک میان پکن-کانبرا

اگر چه استرالیا رویکرد سختگیرانه‌ای را در قبال چین در مسائل امنیتی اتخاذ می‌کند، اما در سیاست اقتصادی خارجی خود مشارکت بیشتری را دنبال می‌کند. تا به امروز، استرالیا به حفظ روابط نزدیک اقتصادی خود با چین ادامه داده است زیرا همچنان وابستگی متقابل اقتصادی میان دو کشور وجود دارد و اتکای بالای کانبرا به چین، موقعیت پکن را به عنوان یک دولت رقیب برای استرالیا دشوار کرده است. به واقع، در طول یک دهه گذشته، استرالیا به طور مداوم رشد اقتصادی چین را مثبت درک کرده و چین را منبع فرصت‌های اقتصادی و یک شریک استراتژیک می‌داند. به همین دلیل استرالیا همواره از رشد اقتصادی پکن حمایت کرده و خواهد کرد (Morrison, 2020). دولت استرالیا همواره گفتگو و مذاکره در روابط خود با چین مثبت ارزیابی کرده و به دنبال متعادل کردن روابط اقتصادی و امنیتی خود با چین بوده است، این درحالی است که این کشور یک متحد دیرینه ایالات متحده آمریکا نیز محسوب می‌شود (Heijmans & Westcott, 2023). با مشاهده لیست بزرگترین شرکای تجاری استرالیا، چین همچنان برای بیش از یک دهه با اختلاف در صدر قرار دارد. این کشور تقریباً یک سوم کل صادرات استرالیا را خریداری می‌کند و برترین بازار خارج از کشور برای بسیاری از کالاها و خدمات استرالیا است. این دو اقتصاد به شدت مکمل یکدیگر هستند و طیف وسیعی از فرصت‌ها را برای تجارت و سرمایه‌گذاری دوطرفه فراهم می‌کنند. برای مثال تا سال ۲۰۲۱ بازار مواد معدنی، کشاورزی، شیلات و انرژی چین، بزرگترین بازار برای استرالیا بوده است (Farneubun, 2022: 153). از سویی دیگر استرالیا پنجمین منبع بزرگ واردات و دهمین بازار بزرگ صادراتی چین محسوب شده و همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان این دو کشور در دو سال گذشته علی‌رغم تنش‌های ژئوپلیتیکی شاهد رشد مستمر بوده است (Interesse, 2023). رشد اقتصادی و ثبات سیاسی عمیقاً به هم مرتبط هستند و عدم اطمینان از یک محیط سیاسی ناپایدار ممکن است سرعت توسعه اقتصادی را کاهش دهد (Hussain, 2014). همچنین اقتصاد جهانی یک سیستم پیچیده‌ای است که به شبکه پیچیده‌ای از سیاست‌های تجاری بین‌المللی و روابط ژئوپلیتیکی وابسته است و هنگامی که این روابط مختل شود، می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد جهانی داشته باشد. بنابراین باید به این نکته توجه داشت که ابعاد امنیتی-اقتصادی همواره در یک سوی تحلیل معادلات بین‌المللی قرار داشته و بی‌توجهی به هر یک از این دو عامل و یا غفلت از اثرپذیری این دو بر هم، ممکن است سیاست‌گذاران سیاست خارجی یک

کشور را دچار اشتباهات اساسی و راهبردی کند.

۲.۸. تصمیم‌سازی‌های تحریک‌آمیز بر اساس ملاحظات امنیتی آمریکا

در اواخر سال ۲۰۲۰، پکن لیستی از شکایات شامل جانبداری استرالیا از ایالات متحده در مسائل مختلف، گزارش غیردوستانه درباره چین در رسانه ملی استرالیا و دخالت در امور مربوط به تایوان و هنگ‌کنگ را منتشر کرد و همین مسئله باعث شد تا موج جدیدی از مخالفت‌ها علیه پکن در استرالیا شکل گرفته و این ایده تقویت شود که چین بیش از اینکه یک شریک تجاری باشد یک تهدید امنیتی برای استرالیا در آسیا-اقیانوسیه محسوب می‌شود (Walters, 2022). از سویی دیگر، رفتارهای سیاسی دوسویه استرالیا (تحریم برخی از شرکت‌های چینی و با اثرگذاری بر برخی از سیاست‌های ایالات متحده در منطقه) باعث شده است تا رهبران چین احساس کنند که مسیر سیاست خارجی کانبرا در تضاد با منافع ملی این کشور قرار دارد. بعلاوه، دولت استرالیا نخستین کشوری در اتحاد اطلاعاتی موسوم به (Five Eyes) بود که استفاده از تجهیزات مخابراتی برخی از شرکت‌های چینی نظیر هوآوی را به دلیل نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی در خاک خود ممنوع اعلام کرد و به متعاقب آن، استرالیا ابتکارات مختلفی را (شرکای اقیانوس آرام آسیا، چارچوب اقتصادی ایندو-پاسیفیک و گفتگوی امنیتی چهارجانبه) به رهبری ایالات متحده و با هدف مقابله با رشد نفوذ چین در منطقه ایندو-پاسیفیک دنبال کرده است (Wu, 2023). همان‌طور که پتر داتون^۱ وزیر دفاع پیشین استرالیا بیان داشت "استرالیا یک دوست و متحد قابل اعتماد برای ایالات متحده بوده و بعید به نظر می‌رسد که از مسئولیت خود برای تبدیل شدن به یک متحد خوب برای واشنگتن فرار کند" (Hurst, 2022). استراتژی موازنه‌سازی استرالیا اساساً نگران واکنش ناکافی به جاه‌طلبی‌های تجدیدنظر طلبانه چین است و هدف آن بازدارندگی فعالانه از رفتارهای تجدیدنظر طلبانه مانند به چالش کشیدن چین در منطقه است (Xue, 2023: 119). اساساً کانبرا افزایش رقابت استراتژیک در منطقه ایندو-پاسیفیک را نتیجه‌ی قابل پیش‌بینی حضور یک قدرت بزرگ (چین) می‌داند که به دنبال به حداکثر رساندن توانایی و نفوذ خود در منطقه است (Hurst, 2022). با روی کار آمدن جو بایدن، دولت ایالات متحده تمایل بیشتری برای مهار چین با سرمایه‌گذاری بر ترس‌ها و نارضایتی‌های

¹ Partners in the Blue Pacific

² The Indo-Pacific Economic Framework

³ Peter Dutton

مشترکی که ایالات متحده و متحدان دموکراتیک سستی آن در مورد چین، توانایی‌های رو به رشد آن، و تمایل به استفاده از زور دارند، نشان داده است (Bartholomeusz, 2020). بنابراین به نظر می‌رسد که دولت استرالیا به پشتوانه حمایت‌های سیاسی و نظامی ایالات متحده و برنامه‌ریزی دولت بایدن برای مقابله با نفوذ چین در منطقه، تمایل بیشتری برای مستحکم کردن روابط خود با واشنگتن داشته باشد و همین موضوع می‌تواند سبب افزایش تنش‌ها در منطقه و اثرگذاری بر مناسبات سیاسی اقتصادی کانبرا یکن شود.

۳.۸. مسئله کووید-۱۹ و اثر آن بر روابط استرالیا و چین

انتقاد دولت استرالیا از مدیریت اولیه بحران ویروس کووید-۱۹ کاتالیزوری بسیار مهمی بود که جرقه‌ی انتقام‌گیری و تحریک چین را برانگیخت. در ۱۸ آوریل ۲۰۲۰، ماریس پین، وزیر امور خارجه استرالیا، یک تحقیق بین‌المللی مستقل در مورد منشأ همه‌گیری کووید-۱۹، از جمله مدیریت چین با شیوع اولیه در ووهان، پیشنهاد کرد. در مقابل اما پکن دولت استرالیا را به حمله‌ی سیاسی به چین و جلب رضایت و خشنودی ایالات متحده متهم کرد و همین موضوع باعث شد تا بسیاری از ناظران چینی اعلام کنند که کانبرا فقط سیاست خارجی آمریکا را دنبال می‌کند و تا زمانی که واشنگتن این موضوع را مطرح نکرده بود، خواستار تحقیق نشده است (Smith, 2020). در پاسخ، سفیر چین در استرالیا مدعی شد که درخواست برای تحقیق در این زمینه می‌تواند تحریم خدمات و محصولات کلیدی استرالیایی توسط مصرف‌کنندگان چینی را به دنبال داشته باشد (Xue, 2023: 122). در نهایت دولت چین تصمیم گرفت تا تحریم‌های اقتصادی را بر محصولات نظیر زغال سنگ، پنبه، الوار و برخی محصولات دیگر علیه استرالیا اعمال نماید. در همین راستا آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در ماه مه ۲۰۲۱ صراحتاً اعلام کرد که "ایالات متحده استرالیا را در میدان رقابت در مواجهه با اجبار اقتصادی چین تنها نخواهد گذاشت" (Psaledakis & Lewis, 2021).

در نوامبر ۲۰۲۰، سفارت چین چهارده نکته را فهرست کرد که نشان دهنده نگرانی‌های اصلی پکن در رابطه با کانبرا بود. این سند به سرعت در مطبوعات به عنوان فهرستی از شکایات مطرح شد، به عنوان "بازی دیپلماتیک با هدف تحت فشار قرار دادن دولت وقت استرالیا برای تغییر موضع استرالیا در مورد سیاست‌های کلیدی" توصیف شد. همه این نکات به قوانین استرالیا در مقابل مداخله خارجی اشاره داشت که به عنوان "هدف قرار دادن چین" در نظر گرفته شده بود (Hurst, 2021). از

مهم‌ترین نکات این لیست می‌توان به اشاره مستقیم پکن به جانبداری استرالیا از کمپین ضد چین به رهبری ایالات متحده اشاره کرد که همین مسئله نشان‌دهنده اهمیت نقش آمریکا در تحولات سیاسی منطقه ایندو-پاسیفیک و تأثیرپذیری کشورها از تصمیماتی است که به پشتوانه قدرت و نفوذ این کشور اتخاذ می‌شود. برای پکن، اجبار اقتصادی علیه استرالیا به منظور اعمال حداکثر فشار استفاده نشده است، زیرا چین همچنان به بازار استرالیا (واردات منابع و انرژی، و تأمین سرمایه) وابسته است. در عوض، هدف از اعمال تحریم‌های گزینشی ترغیب کانبرا به توقف رفتار تحریک‌آمیز خود و بازگشت به روابط متقابل برای جلوگیری از عواقب جدی‌تر بوده است (Xue, 2023: 123-124). از ماه می ۲۰۲۰، پکن واردات تقریباً ۱۲ کالای استرالیایی را که چین بازار اصلی آنها بود، مسدود کرد و واردات سالانه به ارزش حدود ۲۰ میلیارد دلار استرالیا (۱۳,۴ میلیارد دلار) را کاهش داد (Armstrong, 2023). بدین ترتیب مقامات استرالیایی در بحبوحه رقابت فزاینده با چین برای نفوذ، زنگ خطر را در مورد افزایش سطح بدهی‌ها و شکنندگی اقتصادی میان کشورهای حوزه پاسیفیک به صدا در آورده و طی ارائه گزارشی به طور غیر مستقیم با اشاره به چین، اعلام کردند رقابت ژئواستراتژیک در منطقه، آسیب‌پذیری موجود را تشدید و ثبات را تهدید می‌کند (Hurst, 2023). بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به شرایط منطقه و عدم تبیین و تعریف مناسب منافع ملی در سیاست خارجی دولت استرالیا، ما در حال مشاهده‌ی یک تعارض آشکار میان سیاست‌گذاری در موضوعات امنیتی و اقتصادی در دستگاه سیاست خارجی این کشور هستیم. بسیاری از محققین در حوزه ایندو-پاسیفیک معتقدند که مهم‌ترین مسئله در ارتباط با موضوع تعارض، به عدم قطعیت و اطمینان در دستگاه سیاست خارجی کانبرا نسبت به اهداف بلند مدت و نیات نظامی پکن بر می‌گردد و تا بر طرف نشدن این مسئله و تنظیم روابط دوجانبه با ایالات متحده و چین، این تعارض همچنان ادامه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر منطقه ایندو-پاسیفیک به دلیل اهمیت استراتژیک، فرصت‌های اقتصادی، ارتباطات فرهنگی و نگرانی‌های امنیتی آن، یکی از مهم‌ترین مناطق جغرافیایی در نظام بین‌الملل کنونی تلقی شده که می‌تواند بر سایر حوزه‌ها سیاسی و رقابت قدرت‌های بزرگ در سطح کلان‌جامعه‌ی بین‌المللی اثر گذار باشد. در این میان، کشور استرالیا یکی از کشورهایی است که علاقه دیرینه و قابل

توجهی به منطقه ایندو-پاسیفیک، به ویژه در ایجاد مشارکت و تضمین ثبات و رفاه در این منطقه داشته و فعالانه به دنبال همکاری‌های اقتصادی و امنیتی جدید با شرکای خود بوده است. در واقع، رونق روزافزون منطقه ایندو-پاسیفیک بر پایه ثبات در این منطقه بنا شده است و استرالیا خود را متعهد به پیشبرد و حفاظت از منافع خود در منطقه دانسته که البته با احترام به قوانین بین‌المللی مشخص می‌شود. این درحالی است که بلندپروازی‌ها و جاه‌طلبی‌های پکن در منطقه‌ی ایندو-پاسیفیک از جمله در دریای جنوبی و شرقی چین، واکنش‌ها و نگرانی‌های امنیتی بسیاری از کشورهای منطقه از جمله استرالیا، ژاپن و ایالات متحده را به همراه داشته و بسیاری از کشورهای منطقه در راستای دنبال کردن استراتژی مهار ایالات متحده، کنترل نفوذ چین را در این حوزه در دستور کار خود قرار داده‌اند. از یک سو، با مطالعه تاریخ سیاسی استرالیا می‌توان دریافت که جایگاه ایالات متحده آمریکا به عنوان یک قدرت بزرگ، نقشی اساسی در دستگاه سیاست خارجی کانبرا ایفا کرده و پیوندهای نظامی و امنیتی این کشور با واشنگتن یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث میان سیاست‌گذاران استرالیایی بوده است. از سویی دیگر، با بررسی آمارها و داده‌های اقتصادی متوجه خواهیم شد که نقش اقتصاد و مبادلات تجاری میان پکن و کانبرا، از دیگر فاکتورهای تأثیرگذار بر روابط متقابل میان این دو کشور بوده است و همین موضوع، در کنار قرارگیری کانبرا در رقابت قدرت میان واشنگتن و پکن، باعث شده است تا مسئله‌ی سیاست‌گذاری کلان در دولت استرالیا به ویژه پس از سال ۲۰۲۰ دچار یک دوگانگی امنیتی-اقتصادی شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که استراتژی استرالیا در منطقه ایندو-پاسیفیک طی بازه‌ی مذکور به تداوم مهار چین پایبند بوده و همگام با تحول در ملاحظات امنیتی ایالات متحده در منطقه ایندو-پاسیفیک، با تعارض‌نمایی امنیتی-اقتصادی مواجه شده است.

منابع

- رکابیان، رشید و غله پور، مهرداد، (۱۳۹۹)، آوردگاه ایندوپاسیفیک و رویارویی پکن-واشنگتن در عصر پساجنگ سرد (۲۰۱۰-۲۰۱۹)، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۸، شماره ۲، ۱۳۸-۱۱۳
- سلیمانی پور لک، فاطمه، (۱۴۰۰)، خروج آمریکا از افغانستان؛ بازتاب استراتژی بازموازنه، رعیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۳، شماره ۲
- صالحی، مختار و زارع، رحمان، (۱۳۹۶)، خلأ قدرت و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه، مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۴۰
- عابدینی کشکونیه، حسن، مسعودنیا، حسین و گودرزی، مهناز (۱۴۰۱).، سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران در دوران اوباما و ترامپ (بر اساس تئوری رئالیسم تهاجمی میرشایمر و رئالیسم تدافعی والتز)، سیاست پژوهی ایرانی، سال ۹، شماره ۳۴
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی و رمضانی، احمد (۱۳۹۶)، سیاست چین در دریای جنوبی؛ سیاست قدرت و نفوذ دریایی، سیاست جهانی، دوره ششم، شماره دوم، ۵۹-۸۴
- فلاحی، احسان، عامری، اسدالله، (۱۳۹۵)، ریشه‌های بحران اکرین و تأثیر آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران، مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۴
- Australian Foreign Policy White Paper, (2017), Australian Government, Foreign policy White Paper, <https://www.dfat.gov.au/sites/default/files/2017-foreign-policy-white-paper.pdf>
- Australian Government Defense, (2022), Budget 2022-23 delivers record investment in Defense and supporting our veterans, <https://www.minister.defence.gov.au>
- Bassi, J. & Shrimpton, B. (December 3, 2023), Stabilizing relations with China mustn't come at the expense of Australia's security, <https://www.aspistrategist.org.au>
- Beeson, M. & Bloomfield, A. (2019), The Trump effect down under: U.S. allies, Australian strategic culture, and the politics of path dependence, Contemporary Security
- Bekkevold, J. I. (August 17, 2023), Why China is not a superpower, <https://foreignpolicy.com/2023/03/02/china-superpower-us-new-cold-war-rivalry-geopolitics/>

- Cox, L. Cooper, D. & O'Connor, B. (2023), The AUKUS umbrella: Australia-US relations and strategic culture in the shadow of China's rise, *International Journal* 1-20
- Doherty, B. (April 22, 2023), War on words: Australia can expect a hostile response from China to strategic defence review, <https://www.theguardian.com>
- Donnelly, J. (2000), *Realism and International Relations*, Published by the press syndicate of the university of Cambridge
- Farneubun, P. K. (2022), China's Rise and its Implications for Australian Foreign Policy, *Papua Journal of Diplomacy and International Relations*, Volume 2, Issue 2, November 2022 (142-162)
- Ferguson, S. (March 9, 2023), Former prime minister Kevin Rudd warns of risk of 'accidental war' with China, <https://www.abc.net.au>
- Forrest, A. (June 1, 2023), why China is a national threat to Australia, <https://www.aspirategist.org.au/why-china-is-a-national-security-threat-to-australia/>
- Fitzsimmons, D. (2023), *Australia's relations with China: The illusion of choice 1972-2022*, Taylor and Francis group
- Haq, R. (2019), Australia's treat perception of China on China-Vanuatu cooperation in 2018, *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, volume 558
- Henry, L. (2020), Adapt or atrophy? The Australia-U.S. alliance in an age of power transition, *CONTEMPORARY POLITICS* 2020, VOL. 26, NO. 4, 402-419 <https://doi.org>
- Herscovitch, B. (March 15, 2023), China's sound and fury over AUKUS will mean little for ties with Australia, <https://www.theguardian.com>
- Hsu, J. (November 16, 2022), A symbolic, stabilising step is one thing but do Australia and China have enough shared interests for progress, <https://www.theguardian.com>
- Hurst, D. (August 18, 2023), Australia's plan for long-range missiles would not deter aggressors without support from US, <https://www.theguardian.com>
- Kireeva, A. (2017), The Indo-Pacific in the strategies of the US and Japan, Russia in Global Affairs, Vol 18, No 3
- Laurenceson. A. (October 24, 2022), Where the chips fall: in containing China, the US can leave Australia out, <https://www.lowyinstitute.org>
- Lomia, E. (2020), Political Realism in International Relations: Classical Realism, Neo-realism, and Neo-Classical Realism, *International Journal of Social, Political and Economic Research*, Volume 7, Issue 3, 2020, 591-600

- Mearsheumer, J. (2006), Structural Realism, in Tim Dunne, Milja Kurki and Steve Smith, eds., *International Relations Theories: Discipline and Diversity*, Oxford: Oxford University Press
- Medcalf, R. (2018), Australia's foreign policy white paper; navigating uncertainty in the Indo-Pacific, *Security Challenge* 14 (1), 33-39
- Morgenthau, H. J. (1965), *Politics among nations: the struggle for power and peace*, New York: Knopf
- Murat, G. (2020), A critical analysis of Mearsheimer's "Offensive realism": The rights and wrongs, *Atlas international refereed journal on social sciences*, Vol. 6, Issue 35,
- Mysicka, S. (2021), Offensive Realism and the future of China's Rise, *Inha Journal of International Studies, Pacific Focus*, Vol. XXXVI, No. 1 (April 2021), 63-91.
- Needham, K. (October 12, 2023), Release of journalist unlikely to shift Australia's China policy, <https://www.reuters.com>
- Schaus, J. (April 12, 2023), Stability in the Indo-Pacific: an Australia-India-US trilateral perspective, <https://www.csis.org>
- Smith, M. (April 20, 2020), Beijing accuses Australia of pandering to US in anti-China crusade, <https://www.afr.com>
- Teixeira, V. (2019), The United states' China containment strategy and the South China Sea Dispute, *Central European Journal of International and Security Studies* 13, no. 3.
- The White House, (2022), *Indo-Pacific Strategy of the United States*, The White House Washington.
- Tian, Y. (March 5, 2023), China plans 7.2% defense spending rise this year, faster than GDP target, <https://www.reuters.com>
- Tow, W. T. (2019), Minilateral security's relevance to US strategy in the Indo-Pacific: challenge and prospects, *Pacific Review*, 32:2, 232-244, DOI: 10.1080/09512748.2018.1465457
- US Department of State (January 20, 2021a), China's Military Aggression in the Indo-Pacific Region, <https://2017-2021.state.gov>
- US Department of State (July 27, 2023b), The United States-Australia relationship, <https://www.state.gov/the-united-states-australia-relationship/>
- US Mission to ASEAN, (February 21, 2020), The U.S. Vision for The Indo-Pacific, <https://asean.usmission.gov/the-u-s-vision-for-the-indo-pacific/>
- Waltz, K. (1979), *Theory of International Relations*, Berkley, University of California
- Walters, R. (December 20, 2022), The future of China-Australia Relations, <https://www.gisreportsonline.com/r/australia-china-relations/>
- Westacott, J. (September 7, 2015), China-Australia Free Trade Agreement must be passed, <https://www.bca.com.au>

- White, H. (2019), How to defend Australia, La Trobe University Press.
- Wintour, P. (November 23, 2021), As China threat rises, can AUKUS alliance recover from rancorous birth? <https://www.theguardian.com>
- Xue, Y. (2023), Balancing against China with confidence: Australia's foreign policy towards China in 2020-22, Asia policy, Volume 18, Number 1, 42-115
- Zeng, P. (2023), Australia's Foreign Policy towards China from the Perspective of the Multiple Stream Framework, Journal of Education, Humanities and Social Sciences, Volume 11.